



Physiological Pathology of Migration and Mobility of Floating Population in Rural Settlements of Guilan Province

Teymour Amar

Associate Professor of Geography and Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

Abstract

Migration is a dynamic process and the result of socio-economic changes, which can be separated and analyzed in terms of the common divisions of internal and international migrations. Internal migration is one of the main elements of changing demographic processes and the main mechanism of population distribution and redistribution. The flow of migration from cities to rural areas is a part of postmodern developments, which has economic-social-cultural, environmental and physical consequences. Existing studies and researches show that widespread and increasing migration to rural areas, physical complications such as "change in the ownership system, it will lead to "transformation in land use and the landscape of villages", "increase in the construction of second homes and the resulting physical chaos", "physical clutter", and "confusion in architecture and construction". This article investigates the physical damage caused by the migration and mobility of the floating population to the rural areas of Guilan province with a descriptive-analytical method based on documentary studies and field information collection and interviews with local experts and managers. The findings of this research showed that the agricultural levels Between the censuses of 1367 and 1390, the province has decreased by about 33%, which is undoubtedly the main reason for this is the request for land in the province and the change of its use. Construction has grown by 67% during the last decade (despite a 16% decrease in the rural population), which has resulted in numerous construction violations, while there is no reasonable balance between the province's population, resources, and infrastructure.

Keywords: Floating Population, Migration to the Village, Physical Consequences of Migration, Villages of Guilan Province



نشریه علمی اندیشه‌های نو در علوم جغرافیایی، دوره ۲، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۳، صفحات: ۱۹-۴۰

شاپا: ۱۴۳-۲۹۸۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹



آسیب‌شناسی کالبدی مهاجرت و تحرک جمعیت شناور در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان

تیمور آمار

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

چکیده

مهاجرت فرآیندی پویا و نتیجه تغییرات اقتصادی-اجتماعی است که به لحاظ تقسیمات رایج در دو بخش مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی قابل تفکیک و بررسی است. مهاجرت داخلی از عناصر عمده تغییر فرایندهای جمعیتی و مکانیزم اصلی توزیع باز توزیع جمعیت بشمار می‌رود. جریان مهاجرت از شهرها بسمت نواحی روستایی بعنوان بخشی از تحولات پسامدرنیته است که پیامدهای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی به همراه دارد. مطالعات و پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که مهاجرت گسترده و روز افزون به نواحی روستایی، عوارض کالبدی مانند «تغییر در نظام مالکیت»، «تحول در کاربری زمین و چشم انداز روستاها»، «افزایش ساخت خانه‌های دوم و آشفته‌گی کالبدی ناشی از آن»، «درهم ریختگی کالبدی»، و «آشفته‌گی در معماری و ساخت وساز» به همراه خواهد داشت. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و باستناد مطالعات اسنادی و جمع‌آوری اطلاعات میدانی و مصاحبه با کارشناسان و مدیران محلی به بررسی آسیب‌های کالبدی ناشی از مهاجرت و تحرک جمعیت شناور به نواحی روستایی استان گیلان می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سطوح کشاورزی استان در فاصله سرشماری‌های سال ۶۷ تا ۹۰ حدود ۳۳ درصد کاهش داشته است که مسلماً از دلایل عمده این موضوع درخواست برای زمین در استان و تغییر کاربری آن است. مالکیت ۲۵ درصد از اراضی مولد استان در اختیار مالکین «غایب از ده» است. ساخت و ساز در طی دهه اخیر (علیرغم کاهش ۱۶ درصدی جمعیت روستایی) ۶۷ درصد رشد داشته که در پرتو آن تخلقات ساختمانی متعددی رخ داده است ضمن اینکه بین جمعیت، منابع و زیرساخت‌های استان توازن منطقی برقرار نیست.

واژگان کلیدی: جمعیت شناور، مهاجرت به روستا، پیامدهای کالبدی مهاجرت، روستاهای استان گیلان

مقدمه و طرح مسئله

مهاجرت و تحرک مکانی یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل یا عدم تعادل هایی را در جمعیت های تحت تاثیر خود به وجود بیاورد. در مطالعه مهاجرت و انواع آن، صاحب نظران جمعیتی به گونه‌هایی اشاره کرده و به طبقه‌بندی‌هایی دست زده‌اند. عده‌ای در بررسی‌های خود، از «مهاجرت‌های طبیعی یا عادی» و «بی‌رویه یا کنترل نشده» سخن به میان می‌آورند و منظور آنها از این مقوله‌ها از یک سو آن است که آیا مهاجرت افراد برنامه‌ریزی شده و منظم است یا بی‌برنامه و غیرمنظم، و از سوی دیگر اینکه آیا مهاجرت به‌عنوان یک پدیده عادی و بهنجار مطرح است یا به‌صورت یک مسئله غیرمعارف و نابهنجار در نظر گرفته می‌شود. اشکال جغرافیایی جابجایی در قالب مهاجرت‌های «درون سرزمینی» و «برون سرزمینی» قابل تفکیک است. مهاجرت‌های داخلی به تبع روند شکل‌گیری و تبعیت از جریان کلی و عمومی یا بر مبنای سیاست‌های جمعیتی و مهاجرتی و همچنین سیاست‌های تشویقی و بازدارنده از «نقاط روستایی بسمت شهرها»، یا بصورت معکوس از «شهرها بسمت روستاها» شکل می‌گیرد. مضافاً اینکه مهاجرت از جنس «شهر به شهر» و «روستا به روستا» نیز در همین دسته بندی قرار می‌گیرد. مهاجرت و تحرک جمعیت بسمت نواحی روستایی مانند سایر اشکال مهاجرت، مورد توجه قرار نگرفته است. چراکه علل مهاجرت روستا-شهری شناخته شده است در حالی که دلایل مهاجرت و تحرک بسمت نواحی روستایی هنوز بدرستی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته و بعنوان یک جریان نوظهور در جابجایی‌های درون سرزمینی مطرح است (آمار، ۱۴۰۰: ۱۲). جابجایی بسمت نواحی روستایی چه بواسطه بهره‌مندی از مزیت‌های زندگی در این مناطق، و چه بدلیل علقه‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی بواسطه مزیت‌های اقتصادی در حوزه کسب و کار بعنوان یک واقعیت انکارناپذیر در این جوامع ظهور کرده و استثناء جغرافیایی نیز ندارد. لیکن در استان‌های شمالی از سابقه و حجم بیشتری برخوردار است. روستاهای استان گیلان بواسطه مزیتها و ویژگیهای منحصر بفردی که دارند از قدیم الایام مورد توجه مهاجرین و ساکنان شهری بوده‌اند. سابقه گرایش به اسکان جمعیت در نواحی روستایی استان عمدتاً بواسطه نیازهای درونی استان و تقاضای جامعه شهری و همچنین تبعیت از تنوع اقلیمی (در فصول تابستان و زمستان) در قالب تابستان نشین و زمستان نشین بر می‌گردد. اما بتدریج بویژه در دو دهه اخیر موج تقاضا برای تملک زمین و برپایی سکونتگاه موقت فراتر از مرزهای اداری-سیاسی استان رفته و مهاجرینی از سرتاسر کشور را روانه استان نمود. که بر اساس آخرین اطلاعات اخذ شده از مدیران روستاها و جمع‌بندی آن ۱۸۰۴۶۷ نفر مهاجر در قالب ۶۱۵۹۷ خانوار احصاء شده‌اند (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان، ۱۳۹۹: ۱۵۴). بی‌تردید حضور روزافزون جمعیت شناور در استان و جابجایی پی در پی آنها تبعاتی را بهمراه خواهد داشت که از زوایای مختلف قابل بررسی است. این مقاله تلاش دارد تا از منظر کالبدی و در قالب عوارضی چون «تغییر در نظام مالکیت»، «تحول در کاربری زمین و چشم انداز روستاها»، «افزایش ساخت خانه‌های دوم و آشفته‌گی کالبدی ناشی از آن»، «درهم ریختگی کالبدی»، و «آشفته‌گی در معماری و ساخت و ساز» به این مهم پرداخته و مصادیق آنرا بعلاوه راه‌کارهای مدیریت بر این آسیب‌ها ارایه نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جریان مدرنیزاسیون در فرآیند تحولات اقتصادی-اجتماعی و تکامل تدریجی جوامع انسانی سبب ساز شکل‌گیری نوعی حرکت غیرمعمول جمعیتی می‌شود که از آن تعبیر به مهاجرت معکوس یا بازگشت جمعیت به نواحی روستایی می‌شود. شکل‌گیری مهاجرت معکوس و حرکت جمعیت از شهرها بسمت نواحی روستایی از کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی، استرالیا، نیوزیلند، کانادا و ژاپن بوده است (قاسمی و نوبخت، ۱۳۹۵: ۴۱). و بتدریج این واقعیت جمعیتی را در بستر مطالعات دموگرافیک و تحلیل‌های مکانی جمعیت وارد نمود. سرآغاز توجه به جریان مهاجرت به نواحی روستایی از اوایل دهه ۱۹۷۰ بوده است. با شکل‌گیری این تحرک جمعیتی از اوایل دهه ۶۰ و استمرار آن در دهه ۷۰ در برخی کشورهای صنعتی پژوهشگران و صاحب‌نظران مسائل جمعیتی را متوجه این موضوع بدیع در فرآیند تحولات جمعیتی نمود به طوری‌که شهری شدن گسترده در اغلب نقاط دنیا و تحلیل‌های روستا-شهری از جمله مهاجرت به نواحی روستایی می‌بایست در کنار مباحث دیگر به عرصه مطالعات وارد شده و در خصوص الگوهای حاکم، اثرات و پیامدهای آن و چگونگی مدیریت این جریان جمعیتی تحلیل‌های مناسبی ارایه شود. مهاجرت معکوس به تعابیر مختلفی مطرح و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برون‌شهرنشینی، شهرنشینی جابجا شوند (امانپور، ۱۳۹۷). جریان ضد‌شهرنشینی (لوکاس، ۱۳۸۱: ۱۶۶)، و نمادی از «شهرگرایی نواحی روستایی» (Pacion. 1985:183) نام برده می‌شود. از جریان ضد‌شهرنشینی تعبیر به فرآیند عدم تمرکز و حرکت از یک وضعیت متمرکز تر به یک وضعیت کم‌تمرکز می‌شود. ضمن اینکه مهاجرت معکوس را حاصل و نتیجه «تراکم زدایی»، «تغییر رفتار مهاجرتی جمعیت»، «تغییر شرایط اقتصادی و توزیع مجدد اشتغال و سکونت» (قاسمی‌اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵) و «پایان کار و فعالیت و بازگشت به روستا» می‌دانند و برای تطبیق معنایی و مفهومی از اصطلاحاتی مانند: «جمعیت مهاجرشناور» (Hui xu, 2010) و «چرخش جمعیت»، «چرخش به عقب» و «شبه مهاجرت» (Wiltshire, 1979) و مهاجرت چرخشی (Sekiguchi, 2019) استفاده می‌شود. و بالاخره اینکه حرکت جمعیت بسمت نواحی روستایی را نتیجه «تغییر ماهیت در فرآیند مدرنیزاسیون»، «رشد گردشگری و نیاز به گذران اوقات فراغت» نیز می‌دانند. آنچه از تجربه شکل‌گیری و گسترش مهاجرت معکوس بدست آمده نشان از وضعیت ارگانیک و غیربرنامه‌ریزی شده این حرکت جمعیتی است که با توجه به تغییر شرایط و باز تعریف از شیوه زندگی و سبک کار و فعالیت و همچنین پیدایش نیازهای نوین در عرصه زندگی باعث حرکت جمعیت از شهرها بسمت نواحی روستایی می‌شود. در کشور ما، روستاهای سواحل خزر از اولین مناطق جغرافیایی وقوع این فرآیند انتقال سرمایه بشمار می‌روند. در دهه ۶۰ و ۷۰ عمده کسانی که در قالب گردشگری به این منطقه سفر می‌کردند از امکانات اقامتی (نظیر هتل، مسافرخانه یا مسافر کاشانه‌های موجود) بهره می‌گرفتند. اما از اواسط دهه ۷۰ بدلیل ارزانی زمین و مسکن در این مناطق یک جریان خزنده از انتقال سرمایه مزاد در شهرها برای تصاحب زمین و مسکن آغاز شد. در بدو امر برخی نقاط تبلور عینی این حرکت بودند. کلاردشت در مازندران و دیلمان در گیلان از مصادیق بارز این نوع تمرکز سرمایه در روستاهای شمال کشور بوده‌اند که گردشگران را بعنوان مالکین جدید معرفی و زمینه پایایی و استقرار متناوب این متقاضیان نورسیده را در نواحی روستایی فراهم آورد. شتاب فزاینده این حرکت در اواسط دهه ۸۰ آغاز شد و این بار فرآیند خرید زمین-ساخت مسکن و مهاجرت موقت به نواحی روستایی در همه سکونتگاه‌ها اشاعه یافت و تحت تاثیر یک موج فراگیر جغرافیای شمال کشور از لبه ساحل تا ستیغ کوهستان مورد هجوم متقاضیان زمین و مسکن قرار گرفت. و

مطالعات موردی در این خصوص نشان داد که الگوی پخش غالب برای اسکان موقت جمعیت در نواحی ساحلی و جلگه ایی و نظام استقرار دائم مهاجرین عموماً در نواحی کوهپایه ایی و کوهستانی بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که در روستاهای شمال متقاضیان اسکان عموماً غیربومی - نقل از خوشفر و دیگران (۱۳۹۱)، رحیم زاده متحد (۱۳۹۸)، ملکی و دیگران (۱۳۹۸)، رحمانی فضلوی و دیگران (۱۳۹۶)، حسانی (۱۳۹۸)، مطیعی لنگرودی و دیگران (۱۳۹۰)، ربانی و دیگران (۱۳۹۰)، مهاجران و روستا (۱۳۹۳) - و در سایر نواحی روستایی کشور غلبه با جمعیت بومی بوده است - به نقل از اشتری و دیگران (۱۳۹۵)، امانپور (۱۳۹۷)، افراخته و دیگران (۱۳۹۵)، یعقوبی وزبیدی (۱۳۹۷)، پایدار (۱۳۹۸)، قاسمی و دیگران (۱۳۹۳)، میخک و دیگران (۱۳۹۹)، منافی آذر و دیگران (۱۳۹۶)، ابراهیم‌زاده‌آسمین و دیگران (۱۳۹۸)، علی‌بابایی و جمعه پور (۱۳۹۵). عوارض و پیامدهای این نوع جابجایی به مانند هر پدیده ایی از دو منظر قابل بررسی است: از یک زاویه می‌توان در خصوص این موج جابجایی مثبت اندیشی کرد و تبعات حضور (حتی کوتاه مدت) جمعیت در نواحی روستایی را به نفع جامعه بومی و محلی دانست. و از منظر ثانوی می‌توان این جابجایی و حضور کوتاه مدت (یا بلندمدت) را از منظر خطرات و آسیب‌های احتمالی نگریست. آسیب‌شناسی این جریان جمعیتی هم از ابعاد مختلفی امکان‌پذیر است که بعد عینی و ملموس آن «تحلیل کالبدی»، سیما و منظر سکونتگاه‌های روستایی است.

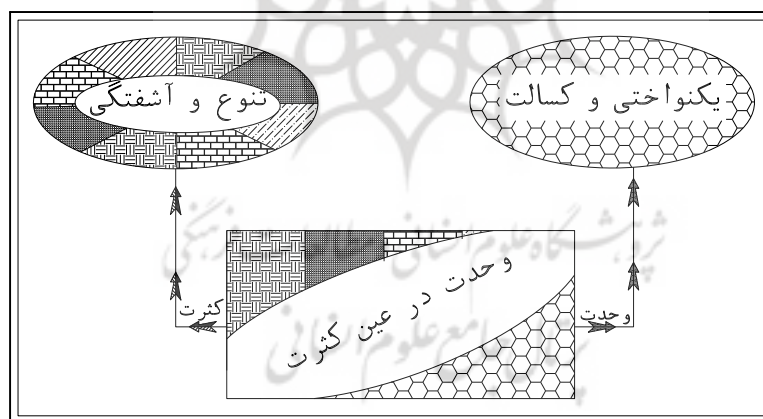


شکل ۱. پیامدهای کالبدی جمعیت شناور در سکونتگاه‌های روستایی

از مهمترین ابعاد حضور و تداوم حضور جمعیت شناور در نواحی روستایی تغییر مالکیت و تصاحب تدریجی این عامل تولید از سوی افراد (عمدتاً) غیر بومی است. واگذاری و فروش زمین که در واقع فروش یا واگذاری حق نسق می‌باشد را می‌توان ناشی از تغییر نسل (عدم رغبت به کار کشاورزی از سوی نسل جوان)، اختلاف شدید هزینه و فایده فعالیت‌های کشاورزی و رضایت به تبدیل زمین به نقدینگی، فشارهای اقتصادی و نیازهای مالی (بویژه نیازهای فوری و زیاد)، نزول بخش کشاورزی بعنوان منبع دوم یا سوم درآمد در اقتصاد خانوار، ارتقاء جایگاه اداری و سیاسی روستا از طریق واگذاری زمین به افراد با نفوذ (مدیریت سیاسی بر فضای روستا مسلط می‌شود) و تغییر در منابع قدرت و ثروت در روستا دانست. تغییر مالکیت در نواحی روستایی بانی شکل‌گیری نوعی مالکیت (عموماً غایب از ده) است که باعث می‌شود که اولاً انتقال مالکیت عموماً با تغییر



کارکرد زمین همراه است. ثانیاً ارزش افزوده این نقل و انتقال عموماً نصیب روستاییان نمی‌شود. ثالثاً سطح اعتماد و وفاق اجتماعی کاهش یابد و در نتیجه همگرایی و مشارکت ضعیف شود (بین جمعیت بومی و گروه‌های غیربومی) و در نهایت در سیما و منظر روستا تغییر حاصل شود و بافت روستا در مرحله انتقال از سنت به یک وضعیت شبه مدرنیستی قرار گیرد (آمار، ۱۳۹۹: ۷۳). از طرف دیگر در مناطقی که خانه‌های دوم وجود دارد و گسترش می‌یابد دو نوع تبادل جمعیتی بوجود می‌آید. یکی مهاجرت روستایی قبل از پیدایش و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی به دلایل خاص خود و سپس تخلیه شدن خانه‌های روستایی و خریداری شدن آنها توسط شهر نشینان برای مقاصد تفریحی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دیگر اینکه ممکن است ناحیه‌ای با داشتن ثبات جمعیتی نیز برای فراغت مورد هجوم افراد ثروتمند قرار گیرد که در این حالت گسترش خانه‌های دوم منجر به مهاجرفرستی می‌شود. (رضوانی ۱۳۸۲: ۶۵). از بعد معماری تنوع و کثرت در فضای یک سکونتگاه موجب به هم ریختگی و اغتشاش می‌شود اگرچه وحدت بیش از حد نیز یکنواختی و کسالت بیار می‌آورد. بنابراین در برنامه ریزی کالبدی یک فضای سکونتگاهی لازم است تا در عین کثرت عناصر، وحدت ارگانیک یا هندسی آن نیز مدنظر قرار گیرد. یکی از وجوه عینی تغییرات کالبدی در ناحیه آشفتگی ناشی از تکثر معماری و شیوه ساخت بنا است. این تنوع در شکل و سیمای کالبدی باعث ایجاد یک فضای توأم با تکثر - عمدتاً آزار دهنده - در فضای جغرافیایی شده که شدت آن را بیشتر می‌توان در روستاهای مقصد گردشگری و محدوده اطراف آن دید. این در حالی است که برای فرم و نوع معماری در محدوده‌های روستایی استان گیلان ضوابط و مقررات مدون وجود دارد (نک به ترکاشوند و راهب، ۱۳۹۰).



شکل ۲- فضای کالبدی یک سکونتگاه

مأخذ: آمار، ۱۳۹۲: ۱۲

جابجایی جمعیت بسمت نواحی روستایی و آسیبهای کالبدی ناشی از آن دستمایه تدوین برخی پژوهش‌ها قرار گرفته است که به اهم آنها در جدول زیر اشاره می‌شود. همانطور که مفاد جدول نشان می‌دهد رویکرد اصلی در بازتاب این آسیبها در قالب رشد و گسترش خانه‌های دوم است که از دهه ۸۰ و بویژه دهه نود در متون و منابع جغرافیایی روستایی و رشته‌های مرتبط جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده و همچنان مورد اقبال بسیاری از محققین است و موضوع تغییر مالکیت و تغییر کاربری زمین در نتیجه مهاجرت و جابجایی جمعیت (عمدتاً شهری) بسمت نواحی روستایی از دغدغه‌های مهم پژوهشگران و محققین رشته

های مختلف از جمله جغرافیدانان است. مضافاً اینکه در اغلب بررسیها درهم تنیدگی واژگانی مانند گردشگری، مهاجرت معکوس یا بازگشتی، پیامدهای کالبدی خانه های دوم و نظایر آن کاملاً مشهود است که در نتایج و پیامدها اغلب به نقاط مشترکی می رسند.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش که با هدف تحلیل پیامدهای کالبدی جابجایی جمعیت شناور به نواحی روستایی استان گیلان بانجام رسید، در واقع این پرسش اساسی مطرح شد که روند جابجایی جمعیت به نواحی روستایی استان چگونه بوده است؟ و پیامدهای کالبدی این حضور (عمدتاً) موقت در روستاهای استان را در چه مواردی می توان تعقیب نمود؟ بر این اساس پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بانجام رسید و از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات (اسنادی و میدانی) بهره‌گیری شد. در بخش میدانی داده‌های اصلی از متغیرهای تحقیق (تعداد مهاجرین و گونه‌شناسی آن‌ها) از طریق مراجع محلی بویژه دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستا اخذ شده است. تحلیل اطلاعات و ارتباط بین متغیرهای تحقیق نیز بصورت کیفی و از استدلال استقرایی (جز به کل) بهره‌گیری شده است. با توجه باینکه گستره طرح در سطح استان گیلان بوده و تحلیل متغیرهای آن نیاز به اطلاعات دقیق از کلیه روستاهای استان می‌باشد بنابراین در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات از جامعه آماری بصورت تمام شماری بوده است.

یافته‌های پژوهش

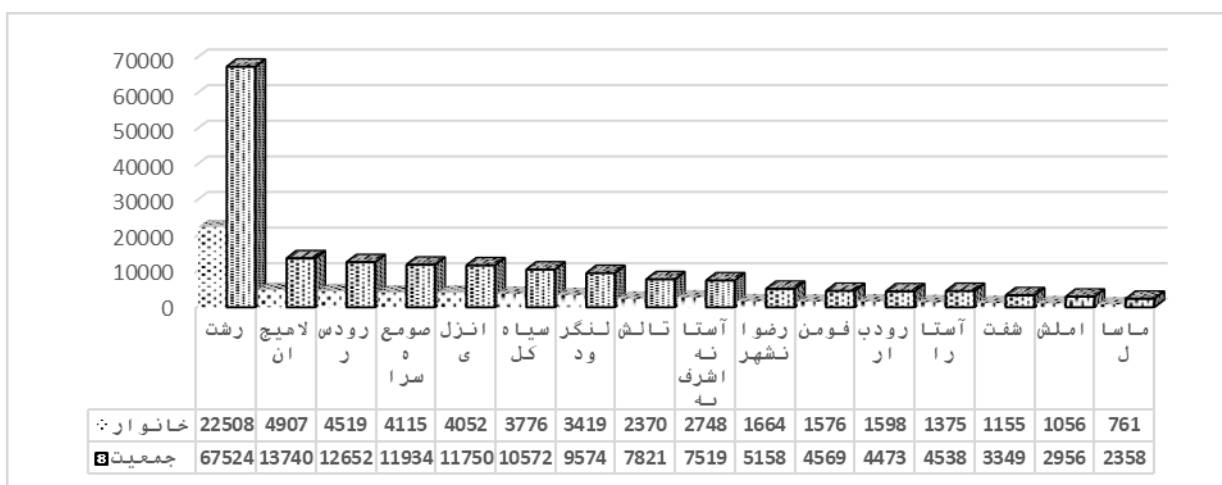
سابقه گرایش به اسکان جمعیت در نواحی روستایی گیلان عمدتاً بواسطه شرایط جغرافیایی استان و تقاضای جامعه شهری و همچنین تبعیت از تنوع اقلیمی (در فصول تابستان و زمستان) در قالب تابستان نشین و زمستان نشین بر می‌گردد. اما بتدریج بویژه در دو دهه اخیر موج تقاضا برای تملک زمین و برپایی سکونتگاه موقت فراتر از مرزهای اداری-سیاسی استان رفته و مهاجرینی از سرتاسر کشور را روانه استان نمود.

جدول ۱- برخی از منابع و آثار مرتبط با موضوع این پژوهش

پدیدآورنده (سال)	نام اثر	نتایج و یافته‌ها
عنابتانی (۱۳۸۸)	بررسی آثار کالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی: مطالعه موردی روستاهای بیلاقی شهر مشهد	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شکل‌گیری خانه‌های دوم با پیامدهای کالبدی مانند تغییر کاربری باغات و مزارع، تجاوز به حریم رودخانه‌ها، و تغییر چشم‌انداز روستایی همراه بوده، به گونه‌ای که ۸۶٫۵ درصد از خانه‌های دوم در حاشیه بافت کالبدی یا به صورت محله‌ای جدید در کنار روستای موجود احداث شده و در ۴۲ درصد موارد، به تغییر کاربری باغات و مزارع انجامیده است.
آمار (۱۳۹۲)	آسیب‌شناسی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان	دگرگونی‌هایی نظیر تعدد در سبک معماری و جانمایی کاربریها خارج از محدوده تعریف شده، تغییر زیاد در کاربریهای کشاورزی و به حاشیه رفتن فعالیتهای کلاسیک و ریشه دار در نواحی روستایی و همچنین عدم رعایت نظام کاربری اراضی از جمله هجوم جمعیت به نواحی روستایی است
مرادی، بحیرایی و قهرمانی (۱۳۹۳)	نقش خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم، روستای ونک)	این پژوهش به این نتیجه رسید که گسترش خانه‌های دوم سبب تغییر بافت سنتی روستا (ساخت مسکن از شکل سنتی به شکل مدرن) تخریب و تغییر کاربری اراضی (باغ‌ها و مزارع) و تغییر در چشم‌انداز طبیعی منطقه شده است.
ابراهیمی (۱۳۹۵)	تبیین جایگاه مهاجرت معکوس در بازساخت روستاهای شمال استان اردبیل	مهاجرت به نواحی روستایی در بازساخت این سکونتگاهها از جمله بازساخت کالبدی-فضایی موثر است
عنابتانی، آمار و کاویانی (۱۳۹۵)	تأثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی	یافته‌های این پژوهش نشان داد که شدت تأثیر متغیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حدود ۲۴ درصد برآورد شده است که بیانگر تأثیر پایین سبک معماری خانه‌های دوم در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی منطقه می‌باشد. سبک معماری خانه‌های دوم، فقط در بعد بهبود خدمات زیربنایی باعث توسعه سکونتگاه‌های روستایی شده است.
یعقوبی، جعفر و طاهره زبیدی (۱۳۹۷)	بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود	یافته‌های این پژوهش نشان داد که مهاجرت معکوس پیامدهایی چون توسعه شاخصهای عمرانی و سلامتی، افزایش نرخ مشارکت و سرمایه‌گذاری و آرامش روانی و بهبود ظرفیت اشتغال‌زایی منطقه به‌مراه داشته است.
پایدار (۱۳۹۸)	تحلیل جغرافیایی محرکهای مهاجرت بازگشتی در روستاهای پیرامون شهر زاهدان	نویسنده این مقاله با اذعان به اینکه مهاجرت معکوس پدیدهایی مطلوب است شاخص‌هایی چون تهیه و اجرای طرحهای کالبدی، محرومیت زدایی و اشتغال‌زایی، کیفیت ارتباطات مجازی، نوع ادراک و نگرش و اندیشه روستاییان در مورد زندگی در روستا در گسترش ابعاد این پدیده موثر می‌داند
افراخته، منافی آذر و ولایی (۱۳۹۵)	اثرات مکانی-فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب	پیامدهای بازگشت مهاجران شامل نوسازی مسکن روستایی، احیای اراضی کشاورزی، تبدیل اراضی زراعی دیم به باغی و مکانیزاسیون کشاورزی، توسعه دامپروری، احداث کارگاههای تولیدی و غیره بوده و نوعی بازساخت فضایی را نشان میدهد.
رحمانی فضلی، سجادی و صدیقی (۱۳۹۷)	نقش گردشگری خانه‌های دوم در تشدید فرآیند کالبدی شدن فضا	رشد و گسترش خانه‌های دوم در بعد کالبدی واجد پیامدهایی چون تشدید تغییر کاربری زمین، نوسازی خانه‌های روستایی، و افزایش رضایت از زیرساخت‌ها و امکانات بوده است.
ملکی، مولایی و قرشی (۱۳۹۸)	اثرات و پیامدهای مهاجرت معکوس در تحولات محیطی-اکولوژیکی و کالبدی روستاهای ساحلی شهرستان رشت	مهاجرت به نواحی روستایی ناحیه مورد مطالعه بر بهبود تاسیسات و تجهیزات روستایی، تغییر کاربری اراضی، تغییر در الگوی ساخت مسکن و معماری، اصلاح و توسعه شبکه معابر، ساخت فضاهای تفریحی تأثیرگذار بوده است

جوان، افراخته و ریاحی (۱۳۹۸)	تحلیل فضایی اثرات گردشگری بر تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رضوان شهر	نتایج تحقیق نشان داد، گردشگری روستایی در ناحیه رضوانشهر دارای تنوع و تفاوت در شدت اثرات بر حسب واحدهای مکانی بوده است. به گونه ای که، اثرات کالبدی گردشگری (خانه های دوم، واحدهای خدماتی، تغییرات کاربری اراضی و قیمت زمین) در محدوده ی ساحلی، شدت بیشتری نسبت به کانون های روستایی در محدوده دشتی و کوهپایه ای دارد.
صبحه، نجفی و نظری (۱۳۹۸)	نقش خانه‌های دوم در توسعه کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی بر مبنای رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی روستاهای کوهستانی شهرستان علی آباد کتول)	گسترش خانه های دوم زمینه‌های آسیب پذیری کالبدی همچون تضاد و ناهمگونی در بافت قدیمی روستا و بافت جدید خانه‌های دوم، افزایش میزان ساخت و سازهای کنترل نشده و بی‌رویه در سطح روستاهای گردشگرپذیر منطقه و تخریب محیط طبیعی و حرکت به سمت شهری شدن چشم‌انداز روستایی به ویژه در ساخت و ساز خانه‌های دوم شده است.
بدرق نژاد، موسی زاده، کریمی و خداداد (۱۳۹۵)	اثرات ساخت و سازهای غیرمجاز بر قیمت زمین و مسکن روستاهای بیلاقی شهرستان گرگان	یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که تعداد ۱۹۴ مورد تخلف ساختمانی در روستای زیارت صورت گرفته که از این تعداد ۱۴۳ مورد داخل حریم قانونی روستا و تعداد ۵۱ مورد خارج از حریم شکل گرفته است. که عدم برخورد قانونی با متخلفین و دسترسی مناسب روستا به شهر گرگان در بروز این آسیب بیشترین تاثیر را داشته است.
پاول کاستل و همکاران (۲۰۱۸)	بازگشت به روستا؟ انگیزه‌هایی که در ترک روستاها در بنگلادش و سنگال مؤثر بوده و چشم‌اندازهایی که برای بازگشت باید در نظر گرفته شود.	این مطالعه نشان داد که بواسطه چالشهای زندگی شهری انگیزه بازگشت در بین مهاجرین روستایی زیاد است لیکن برای جذب مجدد در روستاها نیازمند فرصتهایی است که می بایست در نواحی روستایی ایجاد شود.

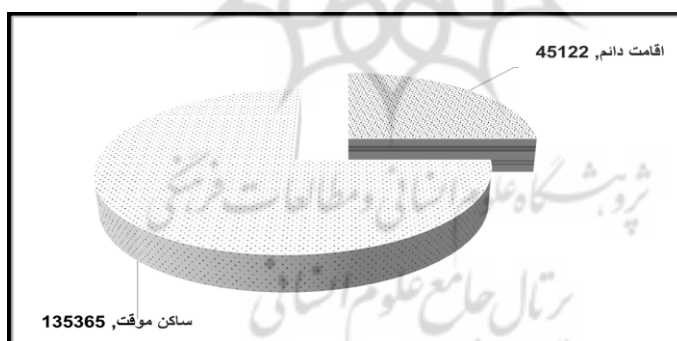
بر اساس آخرین اطلاعات اخذ شده از مدیران روستاها و جمع بندی آن ۱۸۰۴۶۷ نفر مهاجر در قالب ۶۱۵۹۷ خانوار احصاء شده اند که شهرستان رشت با ۶۷۵۲۴ نفر حدود ۳۷٫۴ درصد از کل مهاجرین ورودی به نواحی روستایی استان را پذیرا شده و در روستاهای خود اسکان داده است. این موضوع با توجه به مرکزیت اداری-سیاسی استان، موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان، قابلیت‌ها و مزیت‌های بهتر این روستاها، و همچنین تعدد نقاط روستایی قابل توجه است. روستاهای شهرستان لاهیجان با ۷٫۶ درصد و رودسر با ۷٫۰۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. با توجه به شکل ۳، بنظر می‌رسد بین موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های استان و ضریب برخورداری روستاها از خدمات و تسهیلات زیر بنایی با میزان اسکان مهاجرین رابطه وجود دارد. بطوریکه چهار شهرستان آخر این رده بندی را می‌توان در دو مشخصه فوق مشترک دید. چرا که اولاً روستاهای این ۴ شهرستان به لحاظ برخورداری یا دسترسی به خدمات و امکانات در زمره ضعیف ترین شهرستان‌های استان محسوب می‌شوند ضمن اینکه به لحاظ ارتباطی دچار ضعف های اساسی هستند. نکته قابل توجه دیگر در این اطلاعات توزیع جغرافیایی مهاجرین با توجه به وضعیت طبیعی مناطق است. ۶۴ درصد اسکان مهاجرین در محدوده جلگه ایی استان و منطبق بر شهرستان‌های رشت، لاهیجان، انزلی، آستانه اشرفیه، لنگرود و رضوان شهر استقرار دارند که منطقه داغ اسکان محسوب می‌شود.



شکل ۳: میزان جمعیت شناور در نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸

از میزان جابجایی و مهاجرت به روستاهای استان گیلان و بر اساس اطلاعات میدانی اخذ شده ۲۵ درصد اقامت دائم و ۷۵ درصد نیز اقامت موقت دارند (که در این پژوهش تحت عنوان جمعیت شناور لحاظ شده است) بخش عمده‌ای از مهاجرینی که اقامت دائم دارند شامل مهاجرین بازگشتی هستند که به مبدا حرکت



شکل ۴- توزیع جمعیت شناور در سکونتگاه‌های روستایی گیلان بر اساس مدت اقامت

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸

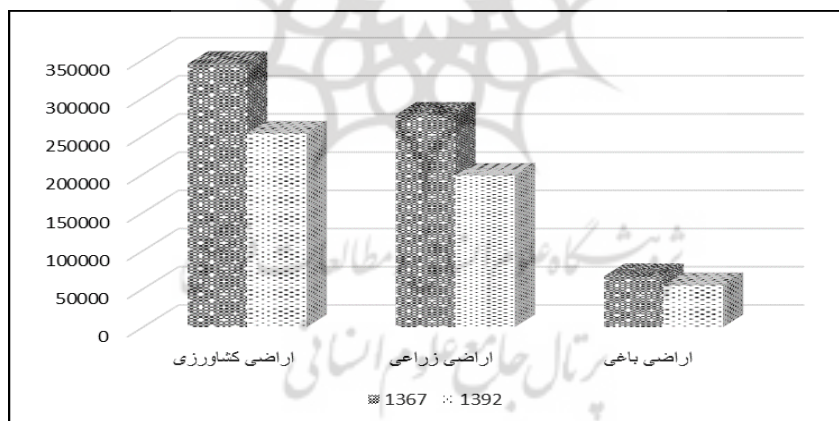
یا یکی از روستاهای نزدیک به محل تولد یا اقامت خود در روستا بازگشته‌اند. و از طرف دیگر مهاجرینی که اقامت دائم دارند عموماً شامل جابجائی‌های معکوس (از شهر به روستا) هستند. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که نظام اسکان و استقرار مهاجرین در استان بر حسب مبدا حرکت تفاوتی را با یکدیگر نشان می‌دهد. منطقه تهران (شامل استانهای تهران، قم و البرز) ۵۷/۷ درصد از کل مهاجرین را بخود اختصاص داده است. منطقه اصفهان با ۸/۷ درصد، استان قزوین ۷/۱ درصد و منطقه آذربایجان با ۴/۲ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. اگر منطقه خزری و استان سمنان (با ۱/۳ درصد) به مجموعه سه منطقه فوق (بجز منطقه اصفهان) اضافه نماییم. این چهار منطقه در مجموع ۷۰/۳ درصد از کل مهاجران و جابجایی‌های ثبت شده



حدود ۱۵/۴ درصد از کل مهاجرین از مناطق گرمسیری کشور و از استانهای مرکزی، شرقی و جنوبی بسمت گیلان حرکت نموده و بصورت موقت یا دایم در این سکونتگاهها استقرار یافته اند. البته از ۹ استانی که خاستگاه مهاجرین از استانهای گرم و خشک کشور محسوب می شوند اصفهان (۸/۷ درصد) و استان فارس با ۲ درصد از کل مهاجرین بیشترین تعداد جابجایی‌ها را بسمت گیلان داشته اند. و بالاخره ۱۰/۳ درصد از جابجاییهای موقت و عمدتاً دایم بسمت روستاهای استان منشأ داخلی داشته و در قالب مهاجرت‌های روستابه روستا و شهر به روستا قابل تفکیک و بازشناسی هستند. جمعیت شناور و آسیبهای کالبدی ناشی از آن: تردد و حضور موقت یا دایم جمعیت شهری یا غیربومی در نواحی روستایی استان پیامدهایی بدنبال دارد که بعد «کالبدی» آن از همه ملموس تر و عینی تر است. این پژوهش در قالب آسیبهای مربوط به نظام کالبدی و چشم انداز روستاهای استان گیلان به موارد زیر رسید.

الف) تغییر در کاربری زمین و چشم انداز روستاها:

همانطور که در مباحث قبلی نیز متذکر شدیم نواحی روستایی استان گیلان از چند دهه گذشته بدلیل شرایط ممتاز جغرافیایی خویش مورد توجه مهاجرین قرار گرفته و با گسترش ابعاد این پدیده اثرات مکانی-فضایی ویژه ای که بر جای مانده که یکی از بارزترین آنها تغییر روبه تزايد کاربری اراضی است. نتایج حاصل از سرشماریهای رسمی کشور نشان می‌دهد که در فاصله دو سرشماری کشاورزی (۱۳۶۷ و ۱۳۹۲) حدود ۲۷ درصد از اراضی کشاورزی استان کاسته شده و روند تغییر کاربریها همچنان ادامه دارد.



شکل ۷- میزان اراضی کشاورزی استان گیلان به تفکیک دو سرشماری ۱۳۶۷ و ۱۳۹۲

جمعیت شناور و درخواست برای کاربری مسکونی را می‌توان صحنه گردان اصلی تغییر کاربری زمین در استان گیلان دانست و در این فرآیند ابعاد این موضوع بواسطه متغیرها و مشخصات زیر گسترده تر می‌شود (آمار، ۱۴۰۰، ۹۵ و ۹۶).

۱) نزدیکی استان به مرکز کشور و علاقه به داشتن فضای اقامتی مناسب در عرصه‌های ساحلی، حاشیه جنگل‌ها، مراتع و اراضی کشاورزی جهت گذراندن اوقات فراغت. خاستگاه مهاجرین ورودی به استان گیلان و نحوه استقرار آنها در سکونتگاه‌های روستایی استان نشان می‌دهد که منطقه تهران (شامل استان‌های تهران، قم و البرز) ۵۷/۷ درصد از کل مهاجرین را بخود اختصاص داده است.

۲) عدم توجه اقتصادی فعالیت های بخش کشاورزی اولاً بدلیل افزایش هزینه های تولید و ثانیاً بدلیل افزایش بی رویه قیمت زمین به علت وجود متقاضیان خرید و تغییر کاربری تولیدی به مسکونی. اساس اطلاعات جمع آوری شده علاوه بر ۶۱۵۹۷ خانوار که به روستاهای استان گیلان مهاجرت و بصورت موقت یا دائم اسکان دارند، حدود شصت هزار مورد خرید زمین توسط غیربومیان در سطح روستاها شناسایی شده که هنوز ساخت و سازی در آنها انجام نشده است.

۳) مزیت های اکوتوریستی روستاهای گیلان و انگیزه تصاحب ملک و مسکن از سوی جمعیت شناور. بر مبنای اطلاعات اخذ شده از ساکنان غیربومی در روستاهای استان انگیزه ۹۰ درصد افرادی که به قصد اقامت موقت یا دائم به سمت روستاهای گیلان حرکت می کنند برخوردار از مزیت های طبیعی، و اکوتوریستی است.

۴) بروز تنش آبی در استان های خشک و نیمه خشک کشور. بر اساس یافته های این پژوهش ۱۵/۴ درصد از مهاجرین از استان های هستند که دارای تنش آبی (استانهای مرکزی و جنوبی کشور) هستند.

۵) پیوندهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرین که شکل گیری جابجایی شبکه ای را در استان باعث شده است. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که مسائل اجتماعی بویژه پیوندهای اجتماعی تا ۷۰ درصد در انتخاب محل اقامت (کوچگاه) موثر بوده است (آمار، ۱۳۹۹: ۱۵۸).

علاوه بر موارد فوق عدم تامین زیر ساخت های اساسی بخش کشاورزی بویژه تامین آب، ضعف در اجرای برنامه آمایش سرزمین و فقدان هماهنگی میان دستگاه های اجرایی به ویژه ارائه خدمات زیر بنایی (آب، برق، گاز و تلفن) برابعد این موضوع دامن می زند و باعث آسیب های زیر می شود:

جدول ۲. آسیب های ناشی از تغییر کاربری زمین در نواحی روستایی استان گیلان

شرح	آسیب های اقتصادی	آسیب های اجتماعی-فرهنگی	آسیب های کالبدی	آسیب های زیست محیطی
۱	افزایش کاذب قیمت زمین	رواج فرهنگ غیربومی	کوچک شدن قطعات زراعی	افزایش زباله
۲	ایجاد انگیزه برای فروش بیشتر و تغییر کاربری زمین	تضعیف روابط گروهی و اجتماعی	افزایش تراکم ساختمانی	تخریب منابع طبیعی
۳	کاهش تنوع کارکردی روستاها	کاهش هویت و تعلق مکانی	عدم همخوانی عناصر کالبدی جدید با بافت قدیمی	کاهش فضای سبز
۴	افزایش فعالیتهای غیر تولیدی	تغییر در منابع قدرت	تغییر بافت فیزیکی روستاها	تغییر چشم انداز طبیعی روستاها

ماخذ: مطالعات میدانی پژوهش



ب) تغییر مالکیت و شکل‌گیری مالکیت غایب از ده: گرایش به سمت تملک اراضی روستایی توسط شهرنشینان و افراد خارج از روستا (مهاجر) یکی از واقعیت‌های بدیع سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد. تغییرات مالکیت اراضی سکونتگاه‌های روستایی به نوعی سرریز شدن بخش از سرمایه‌ها و جمعیت به سوی روستاها می‌باشد. با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده ۶۱۵۹۷ خانوار بصورت شناور به استان رفت و آمد دارند. اگر میانگین زمین تملک شده این تعداد خانوار هزارمترمربع به ازای هر خانوار باشد در واقع ۶۱۶۰۰ متر مربع (۶۱۶۰ هکتار) در اختیار این افراد قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های همین پژوهش ۶۰ هزار مورد خرید زمین در استان انجام شده که هنوز ساخت و سازی در آن انجام نشده است (آمار، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

با احتساب هزار مترمربع به ازای هر خانوار در مجموع ۶۰۰۰ هکتار زمین در این زمینه دچار تغییر مالکیت و مالاً تغییر کاربری شده یا خواهد شد. از طرف دیگر از کل بهره برداران فعلی روستاهای استان (۳۰۲ هزار بهره بردار) حدود ۲۰ درصد (۶۰۴۰۰ بهره بردار) در شهرها زندگی می‌کنند. میانگین زمین برای هر بهره بردار در استان ۱,۴ هکتار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)، که با احتساب آن می‌توان گفت که تقریباً ۸۴۵۶۰ هکتار از اراضی استان در اختیار مالکین ساکن شهرها قرار دارند. در مجموع ۹۶۷۲۰ هکتار از اراضی استان گیلان در اختیار مالکینی قرار دارد که ساکن روستا نیستند و این رقم ۲۵ درصد از کل اراضی مولد استان را شامل می‌شود و این روند پرشتاب با سرعت غیرقابل باوری در حال گسترش است. مطالعات میدانی این پژوهش با بررسی گسترده در روستاهای استان نشان داد که تغییر مالکیت زمین در روستاها و دست به دست شدن آن از «ساکنان بومی» به «مهاجرین متقاضی» ابعادی بسیار عمیق‌تر از یک انتقال ثبتي یا عرفی است:

- تغییر مالکیت بجز در مواردی بسیار نادر مساوی با تغییر کاربری زمین است که تبلور آن در تغییر کارکرد این منبع طبیعی است. مقایسه آمار سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷ و ۱۳۹۲ استان گیلان نشان از کاهش ۳۳ درصدی اراضی کشاورزی (مرکز آمار ایران) را می‌دهد که قطعاً بخش زیادی از این تغییر تحت تاثیر این جمعیت شناور بوده است.
- با تغییر مالکیت منابع قدرت در روستاهای استان در حال جابجا شدن است. این جابجایی از یک قدرت کلاسیک مبتنی بر مالکیت زمین جای خود را به قدرت ناشی از انباشت نقدینگی می‌دهد که بعضاً سر از تولید در بخش‌های غیر کشاورزی در می‌آورد و عمدتاً جذب فعالیت‌های غیر رسمی و غیر تولیدی می‌شود.
- کارکرد سکونتگاه‌های روستایی در استان گیلان تغییر می‌یابد. بطوریکه نقش اقتصادی روستاها بعنوان یک کارکرد غالب تولیدی جای خود را به کارکرد سکونتی می‌دهد و روستا تبدیل به سکونتگاهی می‌شود که بواسطه مزیت‌های محیطی و ارتباطی مورد توجه مهاجرینی می‌شود که یا به قصد گذران اوقات فراغت یا استراحت دوران بازنشستگی به قصد اقامت موقت یا دائم به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند.
- عوارض کالبدی تغییر کاربری زمین در سکونتگاه‌های روستایی استان عموماً در مواردی چون کوچک شدن قطعات زراعی، افزایش تراکم ساختمانی، عدم همخوانی عناصر کالبدی جدید با بافت قدیمی، و تغییر بافت فیزیکی روستاها تبلور یافته است. و سرانجام اینکه انحصار فضا شدت می‌یابد و بهره برداری از منابع تولید از یک شیوه اجتماعی و همگرا بسمت یک شیوه انحصاری میل کرده و منجر به نوعی «آپارتاید» در استفاده از منابع خواهد شد.

ب) رشد خانه‌های دوم و آسفتگی در معماری و ساخت و ساز: براساس اطلاعات استخراج شده از سرشماری‌های رسمی کشور در طی ده سال اخیر تعداد جمعیت روستایی استان از ۱۱۰۹۱۰۴ نفر به ۹۲۷۶۶۰ نفر (۱۶/۳- درصد) کاهش داشته است. در حالیکه نرخ تغییر واحدهای مسکونی در سکونتگاه‌های روستایی استان ۶۷ درصد رشد داشته است و از ۲۷۱۵۳۵ واحد به ۸۲۴۴۲۳ واحد مسکونی رسیده است. بر اساس مطالعات میدانی این پژوهش دو نکته در این خصوص جلب توجه می‌کند: اولاً اگرچه نظام خانوار در نواحی روستایی از وضعیت گسترده به خانوار هسته‌ای تغییر یافته و بخشی از این تغییر محسوس در واحدهای سکونتی را می‌توان در استقلال تدریجی خانوارهای روستایی بویژه زوج‌های جوان جستجو کرد لیکن این افزایش در بخش زیادی از روستاها تحت تاثیر جمعیت شناور و ساخت و ساز بی رویه در نواحی روستایی استان است و نکته دوم رواج تدریجی بلند مرتبه سازی و رشد عمودی مسکن در مناطق روستایی استان است. بر اساس پژوهش حاضر مهترین دلیل این موضوع به کمبود زمین و میل به استفاده حداکثری از این عامل طبیعی است که تدریجاً در مناطق روستایی نیز ظهور و گسترش این پدیده سکونتی را شاهد هستیم. بر اساس آخرین سرشماری رسمی کشور از کل واحدهای مسکونی در روستاهای استان ۲۸۴۰۳۶ واحد (۳۴/۴ درصد) یعنی بیش از ثلث واحدهای مسکونی را سازه‌های دو طبقه و بالاتر را شامل می‌شود.

جدول ۳. تغییرات جمعیت و واحدهای مسکونی در روستاهای استان گیلان در طی سه سرشماری اخیر

شرح	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	درصد تغییر (۱۳۸۵-۱۳۹۵)
تعداد جمعیت	۱۱۰۹۱۰۴	۹۳۱۷۰۴	۹۲۷۶۶۰	-۱۶/۳
تعداد واحدهای مسکونی	۲۷۱۵۳۵	۲۸۴۹۱۳	۸۲۴۴۲۳	+۶۷

ماخذ: سالنامه آماری استان (۱۳۹۸) و مطالعات میدانی (۱۳۹۹)

برآیند این وضعیت در روستاهای استان تغییرات گسترده در نظام کالبدی و تغییر شکلی و محتوایی در اجزا و عناصر این سکونتگاه در طی سال‌های اخیر است که بر اساس مطالعات میدانی این پژوهش مصادیق آنرا در موارد زیر می‌توان یافت:

- افزایش ساخت و ساز و گسترش لجام گسیخته کاربری مسکونی
- عدم رعایت بافت کالبدی در طرح هادی
- آسفتگی در منظر و سیمای کالبدی روستاها
- دوگانگی الگوی زیستی (در قالب بومی و غیر بومی)
- تغییر در ساختار سنتی روستا و برهم خوردن نظام کالبدی مبتنی بر عرف و سنن

ج) تخلفات ساختمانی: این موضوع را می‌توان در ردیف مهترین آسیب‌های کالبدی ناشی از گرایش جمعیت شناور به ساخت و ساز در نواحی روستایی استان دانست. بر اساس مطالعات میدانی این طرح مهترین تخلفات ساختمانی در روستاهای استان گیلان عبارتند از:

- احداث بنا بدون پروانه (۶۴ درصد)



- عدم رعایت قوانین مربوط به سطح اشغال و بروز آسیبهایی نظیر تراکم اضافی و ارتفاع اضافی (۲۲ درصد)
- امتناع از عقب نشینی در جوار راههای ارتباطی و نادیده گرفتن قانون (۵,۵ درصد)
- تغییر کاربری زمین بدون طی کردن تشریفات قانونی (۵ درصد)
- عدم رعایت حرایم و احداث بنا در مناطق ممنوعه (۳,۵ درصد) (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

وقوع این تخلفات در واقع معلول یکسری عوامل است که در بروز آنها موثر است. نتایج بررسی این پژوهش با توجه به مصاحبه و مذاکره با مسئولین محلی و مردم این عوامل را بصورت زیر مشخص نمود:

◀ عدم انجام تشریفات قانونی در صدور جواز ساخت. بارزترین شکل این آسیب در صدور جواز ساخت برای مهاجرین از سوی دهیاران بدون انجام استعلامات قانونی از مراجع ذیربط (بویژه بنیاد مسکن، منابع طبیعی، سازمان آب و امور اراضی و...) می باشد

◀ عدم آگاهی مهاجرین از فرآیند ساخت بنا

◀ عدم هماهنگی بین سازمانهای ذیربط در احداث بنا (بویژه در خصوص ارائه خدمات و تسهیلات)

◀ خرید و فروش غیرقانونی زمین

◀ ارائه اطلاعات غلط به مهاجرین و متقاضیان ساخت بنا در روستاها از سوی افراد بومی (بویژه فعالین بخش زمین و مسکن) که بدنبال سودجویی و سوء استفاده از ناآگاهی مهاجرین هستند.

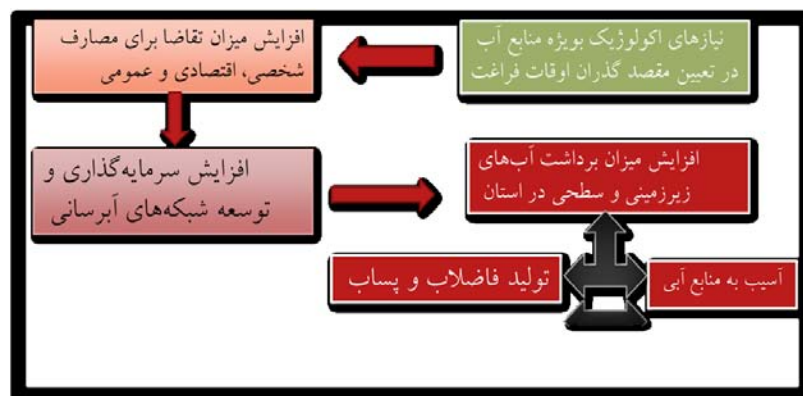
◀ فعالیت غیرقانونی برخی مدیران محلی در فرآیند ساخت بنا (فروش زمین، تغییر کاربری، اخذ صوری جواز ساخت و احداث بنا). این موضوع شاید مهمترین آسیب موجود در بروز تخلفات ساختمانی در سکونتگاههای روستایی استان باشد که نیازمند نظارت بیشتر و برخورد قاطع با متخلفان است.

عدم تعادل بین زیرساختهای استان و جمعیت: از دیدگاه تخصصی زیرساختهای اصلی به چند گروه عمده شامل: حمل و نقل (زمینی، هوایی، دریایی)، سیستمهای مخابراتی و ارتباطی، تامین انرژی (برق، گاز و سوخت رسانی) و مدیریت منابع و مصارف آب می شود. گرچه در این خصوص نیاز به یک مطالعه تخصصی و بنیادین وجود دارد لیکن در طی مطالعات میدانی و مصاحبه با بخشداران و مدیران محلی زیرساختهای استان کفاف جمعیت ثابت و شناور استان را نمی دهد و بویژه این مشکل در نیمه اول سال بیش از پیش نمایان است. نگاهی عمیق تر به یکی از این مهمترین این زیرساختها (یعنی منابع آب) این عدم تعادل را بهتر نشان خواهد داد.

بر اساس برآورد میزان مصرف سرانه آب در ایران حداقل ۱۶۰ و حداکثر ۲۵۰ لیتر به ازای هر نفر می باشد و میزان تولید پساب ۸۵ درصد مصرف آن می باشد (مهدی پور، ۱۳۸۹: ۱۱۵)، به نقل از سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۵). استان گیلان با دارا بودن ۹۲۷۶۶۰ نفر جمعیت روستایی و با توجه به متوسط سرانه مصرف آب (۲۰۰ لیتر برای هر نفر) می باشد تقریباً ۱۸۵ میلیون متر مکعب آب سالم در روز برای جمعیت ساکن منطقه لازم دارد. میزان آب مورد نیاز برای هر مهاجر بویژه مهاجرین موقت (بر اساس مدل اکولوژیک توریسم غیرمتمرکز) ۵ الی ۱۲ لیتر در روز می باشد. با توجه به اطلاعات و آمار دریافتی از روستاهای

استان گیلان در سال ۱۳۹۹، تعداد مهاجرین در نواحی روستایی بالغ بر ۱۸۰۴۸۷ نفر بوده است با این برآورد به طور متوسط در هر روستا ۵۷ نفر بطور موقت یا دائم ساکن هستند که البته اوج آن در روزهای جمعه، روزهای تعطیل و در دو فصل تابستان و بهار می‌باشد.

با در نظر گرفتن میزان مصرف سرانه آب برای هر گردشگر به طور روزانه در حدود ۵ الی ۱۲ لیتر (بر اساس مدل اکولوژیک توریسم غیر متمرکز) بنابراین به طور میانگین $4/02$ متر مکعب آب در هر روز برای مهاجرین این استان لازم است که در مجموع 634693 لیتر در روز است. بر این اساس آب مورد نیاز در روستاهای استان برای ساکنان و مهاجرین در هر روز 185634694 متر مکعب می‌باشد و با توجه به تولید پسابها که ۸۵ درصد آب مصرفی می‌باشد میزان 157789490 متر مکعب پساب در هر روز در روستاهای استان تولید می‌شود که وارد محیط می‌گردد. یکی از راههای تامین آب در استان ساخت سد بر روی رودخانه‌ها و ذخیره سازی آب است که البته بعنوان یک راهکار عمرانی تبعات زیادی را بهمراه خواهد داشت. پیش بینی شده است که با توجه به برنامه ششم توسعه در استان گیلان ۱۶ سد در مدار بهره‌برداری قرار گیرد. با این تعداد سد، ۳ هزار و ۹۰۰ میلیارد مکعب آب را مدیریت خواهد شد که در این صورت استان گیلان یکی از استان‌های ثروتمند و پایدار در تامین آب خواهد بود. البته این در صورتی است که بافت جمعیتی گیلان تغییر نکند. در غیر این صورت اگر این بافت به صورت ناموزون حرکت کند برای تامین آب با مشکل روبرو خواهد شد (پورتال شرکت آب منطقه‌ای گیلان، ۱۳۹۷). با توجه به اطلاعات نسبتاً دقیقی که از میزان مهاجران بدست آمد و جهت‌های جغرافیایی اسکان آنها در استان نیز تا حدودی مشخص شد، گام بعدی پاسخگویی به نیازهای این حجم از جمعیت بویژه فضا و دیگر مایحتاج اولیه به‌ویژه آب می‌باشد. مطالعات میدانی این پژوهش دورنمای یک بحران را در نواحی روستایی گیلان به‌ویژه در فصل تابستان به واسطه کمبود آب گوشزد می‌کند؛ چراکه منابع آب موجود که اغلب شامل چشمه‌های طبیعی و هدایت آنها به داخل شبکه - های توزیع می‌باشد کفاف جمعیت روبه افزایش و عمدتاً غیربومی و شناور را نمی‌دهد و به دلیل آن که مطالعه دقیقی از «ظرفیت تحمل» و «توازن منابع با جمعیت» انجام نشده، این بحران به مرور خود را نشان خواهد داد و مدیران نیز با توجه به مقطعی بودن این معضل اراده جدی برای حل آن ندارند؛ بنابراین توصیه می‌شود در اسرع وقت در زمینه استقرار و اسکان جمعیت در نواحی کم آب استان تجدید نظر شده یا در نحوه خدمات‌رسانی به این نواحی به‌ویژه آب شرب بازنگری اساسی صورت پذیرد.



شکل ۸- سیکل عدم تعادل بین جمعیت و منابع آب و پیامدهای آن



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در چند دهه گذشته استان گیلان اشکال مختلفی از مهاجرت جمعیتی را تجربه کرده است که مهاجرت از سایر مناطق کشور (خصوصاً جنوب و مرکز کشور) به استان در یک دهه اخیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. به طور کلی دو رویکرد به مسأله مهاجرت به استان گیلان می‌توان در نظر داشت. اول برخورد منفی با این امر و مقابله با مهاجرت که در این رویکرد بر جنبه‌های منفی ناشی از مهاجرت از سایر مناطق کشور به استان گیلان تأکید می‌شود. در این زمینه می‌توان به افزایش نرخ بیکاری، تغییر الگوهای فرهنگی، تغییر کاربری اراضی، تخریب محیط زیست و... اشاره نمود. در رویکرد دوم مهاجرت به عنوان امری غیرقابل اجتناب دیده می‌شود و چنین نظری وجود دارد که ایرانیان برای سکنی گزیدن در هر منطقه از کشور از آزادی کامل برخوردار هستند و این امر استان گیلان را مستثنی نمی‌سازد. علاوه بر این مهاجرت می‌تواند با ورود سرمایه انسانی و مادی اثرات مثبت اقتصادی و کالبدی قابل توجهی همراه باشد. آنچه که در این میان غیر قابل مذاکره به نظر می‌رسد ضرورت هدایت آن در جهت صحیح به منظور کاهش مضرات ناشی از مهاجرت به استان و بهره‌گیری از مزایای آن است که ممکن است به همراه داشته باشد بنابراین تمسک به راهکارهای زیر می‌تواند راهگشا باشد:

- امکان‌سنجی مناطق مستعد اسکان با در نظر گرفتن قابلیت‌های موجود در راستای توزیع متوازن مهاجرین و اسکان آنها در نواحی روستایی
- تعامل و هماهنگی بین دستگاه‌های ذیربط در راستای ساماندهی زمین در استان
- بازنگری در تهیه طرح‌های کالبدی (بویژه طرح هادی) و حتی فراتر از آن شیوه تهیه و اجرای طرح هادی در استانهای شمالی بصورت منطقه‌ای و با دستورالعمل‌های متفاوت از کل کشور
- توجه به قانونمندیهای محیطی در قالب اسکان جمعیت در روستاها بویژه تعیین محدوده‌های پرخطر سکونت و پرهیز جدی از صدور مجوز برای ساخت مسکن و استقرار جمعیت
- ممانعت ورود به عرصه‌های ملی (جنگلها و مراتع) و تغییر کاربری آنها به نفع لابی‌های قدرت، ثروت و سیاست. جریانهای فشاری که با دور زدن قانون و انحصاری کردن اراضی ملی بیشترین لطمه را به توسعه پایدار روستایی در استان گیلان وارد می‌کنند.
- باززنده‌سازی الگوهای معماری روستایی از تلفیق مصالح سنتی و مدرن بمنظور رجعت به اصالت سکونت در روستاها و بازگشت هویت به نظام اسکان و استقرار در نواحی روستایی.

منابع و مآخذ

- ۱) ابراهمی‌زاده آسمین، حسین، اشتری مهرجردی، اباذر، و اسلامی، ایمان (۱۳۹۸). مهاجرت معکوس روستایی با تغییر سبک زندگی شهری. فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱): ۱۶۹-۱۸۶.
- ۲) ابراهیمی، اسماعیل (۱۳۹۵). جایگاه مهاجرت معکوس در بازساخت روستاهای شمال استان اردبیل. فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۸(۴): ۱۷۳-۱۹۲.
- ۳) اشتری مهرجردی، اباذر، میرزایی، حسین، فیروزآبادی، سیداحمد، و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی خانه‌های دوم در ایران و پیامدهای آن (مطالعه موردی: شهرستان فراهان). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۸، ۴۷-۷۵.
- ۴) افراخته، حسن، ولایی، محمد، و منافی‌آذر، رضا (۱۳۹۵). اثرات مکانی - فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میان‌دوآب. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱۳، ۸۳-۹۸.
- ۵) آمار، تیمور (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی کالبدی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان (مطالعه موردی: بخش دیلمان شهرستان سیا‌هکل). فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲(۱): ۱۷۱-۱۹۲.
- ۶) آمار، تیمور (۱۳۹۹). تحلیل جغرافیایی مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و امنیتی آن، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان.
- ۷) آمار، تیمور (۱۴۰۰). تحلیل مهاجرت و تحرک مکانی به نواحی روستایی استان گیلان. نشریه مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۲(۵): ۷۹-۱۰۳.
- ۸) آمار، تیمور، کاویانی، سمیرا، و عنابستانی، علی اکبر (۱۳۹۵). تاثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه های روستایی. فصل‌نامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱(۳۴): ۳۳-۵۲.
- ۹) امانپور، سعید (۱۳۹۷). شناسایی و الویت‌بندی عوامل موثر بر شکل‌گیری مهاجرت بازگشتی (موردشناسی: بخش مرکزی شهرستان دزفول). مجله جغرافیا و آمایش شهری، شماره ۲۹، ۳۷-۶۰.
- ۱۰) بدراق‌نژاد، ایوب، موسی‌زاده، حسین، و خداداد، مهدی (۱۳۹۶). اثرات ساخت و سازهای غیرمجاز بر قیمت زمین و مسکن روستاهای ییلاقی شهرستان گرگان. فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۶(۲۲): ۱۴۷-۱۶۴.
- ۱۱) برومندزاده، محمدرضا، و نوبخت، رضا (۱۳۹۲). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، فصل‌نامه جمعیت، شماره ۸۹ و ۹۰، ۷۳-۹۰.
- ۱۲) پایدار، ابوذر (۱۳۹۸). محرک‌های مهاجرت بازگشتی را در روستاهای پیرامون شهر زاهدان. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۶(۱۵): ۱۹-۳۸.
- ۱۳) ترکاشوند، عباس، و راهب، غزاله (۱۳۹۰). گونه‌شناسی و تدوین ضوابط و احکام مسکن روستایی استان گیلان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر مطالعات و تحقیقات مسکن روستایی.



- ۱۴) حسانی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). جرم‌شناسی چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مهاجرت به استان گیلان. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی اجتماعی، شماره ۳۲، ۱۳-۳۱.
- ۱۵) خوش‌فر، غلامرضا، جوادی‌نیا، علی، و رضایی‌دانش، یونس (۱۳۹۲). مطالعه جریان‌های مهاجرتی و عوامل موثر بر آن در استان مازندران، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۱(۴): ۱۷۶-۱۴۷.
- ۱۶) رحمانی‌فضلی، عبدالرضا، سجادی، ژیلا، و صدیقی، صابر (۱۳۹۷). نقش گردشگری خانه‌های دوم در تشدید فرآیند کالایی شدن فضا (مطالعه موردی: عرصه‌های روستایی شهرستان محمودآباد). فصل‌نامه برنامه‌ریزی و توسعه گرد - شگری، ۷(۲۷): ۵۶-۸۲.
- ۱۷) رحیم‌زاده‌متحد، علی (۱۳۹۸). بحران آب و مهاجرت از مناطق خشک به استان گیلان و افزایش آسیب‌های اجتماعی. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی اجتماعی، شماره ۲۹، ۲۳-۳۲.
- ۱۸) رضایی، احمد (۱۳۸۴). تنوع فرهنگی در استان گیلان. فصل‌نامه مطالعات ملی، ۶(۱): ۱۲۱-۱۴۰.
- ۱۹) رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲). تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵، ۵۹-۷۳.
- ۲۰) روستا، زهرا، ربانی، رسول، و طاهری، زهرا (۱۳۹۰). بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تاثیر آن بر توسعه اجتماعی - اقتصادی (مطالعه موردی: مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر). فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۵): ۸۳-۱۰۸.
- ۲۱) ریاحی، وحید، جوان، فرهاد، و افراخته، حسن (۱۳۹۸). تحلیل فضایی اثرات گردشگری بر تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رضوانشهر، فصل‌نامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۴(۱۳): ۵۷-۷۰.
- ۲۲) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۳). نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی سال ۱۳۹۲، معاونت آمار و اطلاعات.
- ۲۳) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۸). تحلیل شاخص‌های جمعیتی کشور و استان گیلان، معاونت آمار و اطلاعات.
- ۲۴) صحنه، بهمن، نجفی‌کانی، علی‌اکبر، و نظری، لیلا (۱۳۹۸). نقش خانه‌های دوم در توسعه کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی بر مبنای رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای کوهستانی شهرستان علی‌آباد کتول). فصل‌نامه جغرافیا و روابط انسانی، شماره ۲، ۵۰-۱۰۳.
- ۲۵) علی‌بابایی، مجتبی، و جمعه‌پور، محمد (۱۳۹۵). فرآیند الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو شهرستان کبودرآهنگ). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵(۴): ۹۱-۱۰۶.

- ۲۶) علی‌زاده، تیمور، منافی‌آذر، رضا، قاسمی‌اردهایی، علی، عبدالمهی، عبدالله، وولائی، محمد(۱۳۹۶). مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن برسکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میاندوآب، فصل‌نامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۳۸): ۱۷۹-۱۹۷.
- ۲۷) عنابستانی، علی‌اکبر(۱۳۸۸). بررسی آثارکالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی: مطالعه موردی روستاهای بیلاقی شهرمشهد. فصل‌نامه روستا و توسعه، شماره ۴، ۱۴۹-۱۶۶.
- ۲۸) قاسمی‌اردهایی، علی، ونوبخت، رضا(۱۳۹۵). علل و تعیین کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران. فصل‌نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۱(۲۱): ۴۳-۸۲.
- ۲۹) لوکاس، دیوید، و میر، پاول(۱۳۸۱). در آمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه دکتر حسین محمودیان انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۰) مرادی، محمود، بحیرایی، حمید، قهرمانی، سارا(۱۳۹۲). نقش خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی شهرستان سمیرم. فصل‌نامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۴(۲۴): ۳۳-۴۲.
- ۳۱) مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن، غدیری‌معصوم، مجتبی، رضوانی، محمدرضا، نظری، عبدالحمید، و صحنه، بهمن (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۳(۷۸): ۶۷-۸۴.
- ۳۲) ملکی، زهرا، مولایی هشتچین، قرشی میناباد، محمدباسط(۱۳۹۸). نقش مهاجرت معکوس در تحولات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی روستاهای ساحلی شهرستان رشت. فصل‌نامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۴): ۵۸۷-۶۱۲.
- ۳۳) مهاجرانی، علی‌اصغر، روستا، زهرا(۱۳۹۳). بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستان‌های تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران، نشریه مطالعات جامعه‌شناسی شهری، شماره ۱۳، ۱۶۷-۱۹۴.
- ۳۴) مهدی‌پور، صدیقه(۱۳۸۹). پیامدهای زیست‌محیطی گردشگری در محدوده لونک-دیلمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: تیمورآمار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گروه جغرافیا.
- ۳۵) یعقوبی، جعفر، وزبیدی، طاهره(۱۳۹۷). بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود استان زنجان. نشریه پژوهش‌های روستایی، ۹(۲): ۱۹۶-۲۰۹.
- ۳۶) میخک، حسین، حافظی، فرشته، وصادقلو، طاهره(۱۳۹۹). تحلیل علل و انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی در میان مهاجران روستایی (مورد مطالعه: شهرستان خرم‌آباد). فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، ۱۱(۴۲): ۲۷۰-۲۸۵.

37) Castle, P., Bastawy., S.(2018). *Back to the village? Motivations for leaving and prospects for return Rural-urban migration in Bangladesh and Senegal*

38) Hui Xu(2010). *Return Migration, Occupational Change, and Self-Employment, China Perspectives [En ligne], 2010,*

- 39) Pacion, m (1985). *Rural Geography*, Harper and Row Publishers.
- 40) Sekiguchi., T.(2019). *The Effects of Differences in Individual Characteristics and Regional Living Environments on the Motivation to Migrate to Hometowns: A Decision Tree Analysis*, Applied sciences , N9
- 41) Wiltshire., R.(1979). *Research on reverse migration in japan:reverse migration and the concept of "U-Turn"*, tohoko university repository.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی